


تحول چرخه نظام‌مند سیاستگذاری نهاد خانواده در جمهوری اسلامی ایران

روح‌اله اسلامی* , یگانه سارانی‌نژاد، الهه ولی‌زاده

گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

مشخصات مقاله	چکیده
مقاله پژوهشی موضوع: سیاست حوزه موضوعی: ایران	در حوزه مطالعات کشوری، در مقاله حاضر پاسخ به این سؤال دنبال شده است: سیاستگذاری نهاد خانواده در جمهوری اسلامی چه تحولاتی داشته است؟ در پاسخ به این سؤال، این فرضیه مطرح است که در نظام جمهوری اسلامی در رابطه با نهاد خانواده از ابتدای پیروزی انقلاب تاکنون، با هدف حفظ خانواده پدرسالار طراحی سیاست انجام شده است، اما در زمینه اجرا از سیاست‌های آرمانگرایانه دوران جنگ و نواصولگرایی به سمت سیاست‌های واقعگرایانه دوران اصلاحات و اعتدالگرایی حرکت شده است. در این پژوهش، از چارچوب نظری مدل سیستمی و روش تحقیق تاریخی-نهادگرایانه استفاده شده است. روش ابزار گردآوری داده‌ها نیز روش اسنادی-کاربردی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مطالبات اقشار گوناگون جامعه باعث شده است نهاد خانواده در ورودی نظام سیاستگذاری دولت قرارگیرد. اسناد آرمانگرایی زیادی با محوریت نهاد خانواده در ایران تدوین و طراحی شده است. به‌رغم تعدد این اسناد و قوانین، امروزه شاهد آن هستیم که در نظام جمهوری اسلامی در زمینه اجرا چندان موفق عمل نشده است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۰۶ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۱/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۰۴ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱	
واژگان کلیدی: تحلیل سیستمی، سیاستگذاری، نهاد خانواده.	

ارجاع به این مقاله: اسلامی ر، سارانی‌نژاد ی، ولی‌زاده ا. (۱۴۰۲). «تحول چرخه نظام‌مند سیاستگذاری نهاد خانواده در جمهوری اسلامی ایران». *مطالعات کشورها*. ۲۷۹-۳۱۲. doi:

<https://doi.org/10.22059/JCOUNTST.2023.357107.1023>

وبگاه: <https://jcountst.ut.ac.ir> | رایانامه: jcountst@ut.ac.ir

شاپای الکترونیکی: ۹۱۹۳-۲۹۸۰

ناشر: دانشگاه تهران



* رایانامه: eslami.r@um.ac.ir  <https://orcid.org/0000-0001-7429-6105>

۱. مقدمه

نهاد خانواده در کنار دو نهاد مهم دیگر، یعنی دین و دولت، از عناصر سازنده جامعه محسوب می‌شود. خانواده، به‌عنوان نخستین واحد اجتماعی، وظایف و کارکردهای گوناگونی برعهده دارد؛ از قبیل حفظ نسل، تربیت فرزندان، مراقبت و حمایت از بزرگسالان، و حفظ میراث فرهنگی-دینی. به‌عبارت دیگر، خانواده نقطه عطفی در اجتماعی‌شدن انسان‌ها و یادگیری ارزش‌ها و هنجارهای موجود به‌شمار می‌رود. خانواده گروهی از افراد است که با ارتباطات خویشاوندی مستقیماً پیوند یافته‌اند و اعضای بزرگسال آن مسئولیت مراقبت از کودکان را برعهده دارند. پیوندهای خویشاوندی، ارتباطات میان افراد است که یا از طریق ازدواج برقرار می‌شود و یا از طریق تبار که خویشاوندان خونی را به یکدیگر مرتبط می‌سازند (گیدنز، ۱۳۸۳: ۴۲۴). در تعریفی دیگر، «خانواده یک گروه اجتماعی است که اعضاء آن به وسیله دودمان، ازدواج یا فرزندخواندگی با یکدیگر پیوند برقرار می‌کنند و نیز کسانی که در زندگی با هم از تشریک مساعی در تأمین درآمد، اقتصاد زندگی و نگهداری از فرزندان برخوردار هستند» (یزدانی و دوستی، ۱۳۹۶: ۸۰).

شکل‌گیری تحولات در عرصه خانواده با صنعتی‌شدن اروپای غربی آغاز شد (بهنام، ۱۳۵۰: ۱۰). به‌دنبال تغییرات و پیشرفت جوامع و صنعتی‌شدن شهرها، بسیاری از ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر نهاد خانواده دگرگون شد؛ از جمله این تغییرات، شکل و نوع ازدواج و تشکیل خانواده است. برخی از این صورت‌ها عبارت است از خانواده‌های گسترده، هسته‌ای، پدرسالار، مدارسالار، سنتی، مدرن و پسامدرن، تک‌نفره و تک‌والد.

جمهوری اسلامی از همان ابتدا، بر استحکام بنیان خانواده تأکید زیادی داشت و در این راستا سیاست‌های گوناگونی تدوین و تصویب کرد و اقدام‌هایی انجام داد. این امر در دوره‌های مختلف، علی‌رغم سیاست‌های کلان حاکمیتی و سیاست‌های موجود در قانون اساسی، به شکل‌های متعددی اجرا شده است. روشن‌ساختن سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در رابطه با نهاد خانواده، ضرورت انجام پژوهش حاضر را آشکار می‌سازد. دولت نظامی همچون سایر نظام‌هاست و سه عنصر اصلی دارد: ورودی، فرایند و خروجی. در این پژوهش، با بهره‌گیری از روش تحلیل نظام‌مند، ورودی‌ها، طراحی‌ها، اجرائیات، نتایج و ارزیابی نظام سیاستگذاری نهاد خانواده در جمهوری اسلامی ایران تحلیل و ارزیابی شده است. داده‌های پژوهش با بررسی رویدادها و تحولات گذشته، تحلیل برنامه‌های

خانواده و بررسی اسناد بالادستی کشور گردآوری شده است. از آنجاکه در طراحی سیاست اقدام‌های برخی نهادهای طراح همچون رهبری و شورای عالی انقلاب فرهنگی در رابطه با نهاد خانواده بررسی می‌شود، در پژوهش حاضر از روش نهادگرایی نیز بهره گرفته شده است؛ بنابراین، با روش تاریخی-نهادگرایی، موضوع پژوهش بررسی شده است.

۲. پیشینه

سمواتی و همکاران (۱۳۹۵) وضعیت و جایگاه زن و خانواده را در قانون اساسی و دیگر اسناد فرادستی نظام بررسی کردند. آن‌ها، علاوه بر بیان ضعف‌ها در این حوزه، پیشنهادها و راهکارهایی را به منظور تقویت جایگاه زن و خانواده در ایران امروزی مطرح کردند. به نظر نویسندگان این پژوهش، در دیدگاه حاکم بر قانون اساسی و دیگر اسناد فرادستی نظام در حوزه زن و خانواده، هیچ‌گونه ضعف و نارسایی وجود ندارد و تنها خلأ نبود برنامه‌های راهبردی و اجرایی لازم در حوزه زنان و خانواده است که امید می‌رود گام‌های اجرایی و عملیاتی لازم برای تحقق سیاست‌های کلی خانواده از سوی دولت برداشته شود.

عموزاده‌مهدیرجی (۱۳۹۶) انواع سیاستگذاری‌های نهاد خانواده را در سه کشور جمهوری اسلامی ایران، آلمان و بریتانیا شناسایی و بررسی کرد. در نهایت، به این نتیجه رسید که سیاست خانواده در ایران به نوعی آشفتگی یا درهم‌ریختگی پارادایمی در زمینه تعیین جایگاه خود نسبت به رژیم رفاهی کشور دچار شده است. در این پژوهش همچنین، برنامه‌های توسعه و جایگاه خانواده در هریک از این برنامه‌ها بررسی شده است. آمار و ارقام موجود در این پژوهش درک روشنی به خواننده می‌بخشد.

باقری، زارعان و برزگر (۱۳۹۸) ضرورت و اهمیت سیاستگذاری نهاد خانواده و نقش دولت را در رابطه با این فرایند مهم بررسی کرده‌اند. در این پژوهش، با توجه به اهمیت سیاستگذاری نهاد خانواده، الگوهای تعامل دولت و خانواده تحلیل و تبیین شده و به کارگیری دو یا چند الگو به‌طور هم‌زمان در سیاستگذاری خانواده برای دولت ناممکن دانسته شده است. در ایران وضعیت و نسبت دولت با خانواده شرایط نسبی و مساعدی ندارد و خانواده عمدتاً در حاشیه سیاست‌ها قرار گرفته است.

صادقی فسایی و عرفان‌منش (۱۳۹۱) دو الگوی خانواده مدرن مدنی و

خانواده ایرانی-اسلامی را دو الگوی غالب در نظریه‌پردازی‌های مطالعات اجتماعی خانواده در ایران ارزیابی کرده‌اند. در نهایت، به این نتیجه رسیده‌اند که باوجود برخی ویژگی‌های مثبت که در الگوی مدرن مدنی مشاهده می‌شود، الگوی خانواده ایرانی-اسلامی مزایای بالقوه و بیشتری دارد، زیرا این الگو از پویایی دین و فرهنگ جامعه ایران نشأت گرفته و با به رسمیت شناختن اصالت فرد و جمع در کنار یکدیگر، به نوعی تناسب و اعتدال اجتماعی دست یافته است.

نیاکان (۱۳۹۱) رابطه سیاستگذاری‌های دولت را با تغییرات خانواده بررسی کرده است. وی بیان می‌کند که به‌رغم تأکیده‌های فراوان دولت بر پایداری و حفاظت از نهاد خانواده، در عمل سیاست‌های حمایتی منظم و همه‌جانبه‌ای در این مورد اتخاذ نشده است. از دیدگاه نگارنده درک دولت از خانواده ایرانی درک تقلیل‌گرایانه‌ای است و به دلیل نبود سیاست‌های حمایتی دولت از خانواده، این نهاد در وضعیتی بحرانی قرار گرفته است که از آن باعنوان «بحران خانواده» نام‌برده می‌شود.

عزیزی (۱۳۹۱) به دنبال ارائه تصویری جامعه‌شناختی از نهاد خانواده است. شواهد بسیاری مانند کاهش درصد ازدواج و شکاف عظیم میان واقعیت‌ها و آمار حکومتی و واقعیت‌های غیررسمی بیانگر آن است که خانواده سنتی ایرانی از تغییرات مدرن و نتیجه بحران انکارناپذیر نهاد اجتماعی در ایران، مستثنی نیست. دغدغه عزیزی بررسی امکان قرائت اسلامی از ازدواج و نهاد خانواده با ظرفیت پذیرش ویژگی‌های اصلی جامعه مدرن است.

آزاد ارمکی (۱۳۹۵) مباحث مربوط به جامعه‌شناسی خانواده را در بستر فرهنگ ایرانی بررسی کرده است. وی، علاوه بر آنکه مهم‌ترین نظریه‌های مرتبط با خانواده را بیان می‌کند، به وضعیت فعلی خانواده ایرانی در ابعاد مختلف و چالش‌ها و مسائل جاری و آتی آن نیز می‌پردازد تا از این طریق به درک واقع‌بینانه‌تری از وضعیت کنونی نهاد خانواده دست یابد و در پی آن بتواند چشم‌انداز دقیق و روشن‌تری برای آینده خانواده ایرانی متصور شود.

عزیزی و حسینی (۱۳۹۶)، به منظور درک بهتر چگونگی سیاستگذاری‌های حوزه خانواده، با متخصصان این حوزه گفتگو کرده‌اند و با بیان اهداف و خصوصیات انواع مشروع و قانونی ازدواج، الگوی هم‌زیستی را در نسبت با این صورت‌های پذیرفته‌شده بررسی کرده‌اند. در این پژوهش، همچنین صورت‌های متنوعی از نهاد خانواده در آینده ترسیم شده است؛ صورت‌هایی که جمهوری

اسلامی ایران تلاش می کند تا از شکل گیری و گسترش آن در آینده جلوگیری کند. این صورتها نگاه سنتی و آرمانگرایانه دولت را به نهاد خانواده کاملاً نابود خواهد کرد.

حسینی و عزیزی (۱۳۹۵) سیاستها و قوانین وضع شده دولت را باهدف حمایت از نهاد خانواده در فاصله سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۱ش بررسی کرده اند. یافته ها و نتایج تحقیق آنان نشان می دهد که رویکرد اقتصادمحور بر عملکرد دولت غالب است؛ امری که در نهایت باعث شده است سیاستهای دولت با حفظ الگوهای سنتی خانواده همراستا باشد. نویسندگان این پژوهش، علاوه بر بیان ضعفهای موجود در زمینه سیاستگذاریهای حوزه خانواده در ایران، بیشتر تحولهای روی داده در این حوزه را نیز محصول کنش حوزه اقدام غیردولتی و خاصه نهاد قضایی با خانواده عنوان می کنند. در این پژوهش از آمار، ارقام، جدول و نمودار در رابطه با سیاستهای دولت نسبت به خانواده استفاده شده است که به درک روشن و واقع بینانه خواننده کمک شایانی می کند.

یزدانی و دوستی (۱۳۹۶) تحولات شکل گرفته در حوزه خانواده را بررسی کرده اند و عوامل گوناگونی همچون مهاجرت، برهم خوردن مناسبتهای خانوادگی، جهانی شدن، محدودیت منابع، تغییر مناسبات اقتصادی و استقلال اقتصادی زنان و تحرکات اجتماعی را در بروز این تحولات مؤثر می دانند. از دیدگاه آنان، شکل گیری بسیاری از الگوهای جدید خانواده در ایران تحت تأثیر الگوهای کشورهای غربی به وقوع پیوسته است و تقویت فرهنگ گفتگوی بین نسلی، به منظور ایجاد هماهنگی میان هنجارهای قدیم و جدید، فرصت های بیشتری را در اختیار افراد جامعه قرار خواهد داد.

بروجردی و ویژه (۱۳۹۵) سعی کرده اند آثار شاخصه های معروف در جامعه بین المللی و خرد جمعی را در حوزه حکمرانی بر موجودیت خانواده ارزیابی و بررسی کنند. تعریف خانواده از منظر جامعه بین المللی و اسناد آن به منزله تعهدی الزام آور برای دولت ها تلقی می شود که در جریان آن ملزم هستند اصول مورد قبول و هنجارهای پذیرفته شده بین المللی را رعایت کنند.

قدیمی و همکاران (۱۳۹۰)، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، جایگاه زنان را در قانون اساسی و برنامه های پنج گانه توسعه بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که جایگاه زنان در برنامه های توسعه بر محور حداقلها و حداکثرها در نوسان بوده است؛ حداقلها از برنامه نخست آغاز شده و به سمت حداکثرها در

برنامه چهارم و پنجم به پیش رفته است که نشان از روندی تکاملی در این باره دارد. زعفرانچی (۱۳۸۵) انواع برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده در ایران و میزان رویکرد نظام اسلامی به حل مشکلات و مسائل زنان را در برنامه‌های توسعه بررسی کرده است. نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد در برنامه‌های اول و دوم توسعه در رابطه با زنان، به افزایش سطح سواد عمومی، ارتقای سلامت و برنامه‌های اوقات فراغت و تربیت‌بدنی توجه شده است. یکی از مواد برنامه سوم توسعه نیز به توسعه مشارکت‌های فرهنگی و اجتماعی زنان اختصاص دارد. در برنامه چهارم، علی‌رغم درک ضرورت توجه به مسائل زنان و خانواده و گنجانیدن پاره‌ای مباحث در این باره، محورهای مهم دیگری نیز مطرح شده است.

کلهر و ارحامی (۱۳۹۲) سیاست‌های جهانی و تقویت‌کننده نهاد خانواده را در غرب و سیاست‌های کلان و موردی نظام جمهوری اسلامی ایران را در خصوص خانواده بررسی کرده‌اند. بررسی روند سیاستگذاری در جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که مجموعه سیاست‌های کلان اتخاذشده، در قیاس با سیاست‌های جهانی، کاملاً خانواده‌گراست و در تضاد با سیاست‌های تکثرگرای خانواده قرار دارد. این سیاست‌ها با ایجاد اختلال در الگوی مطلوب خانواده و تضعیف آن، آسیب‌های اجتماعی گوناگونی را تشدید می‌کند؛ از جمله افزایش طلاق، کاهش ازدواج و کاهش فرزندآوری.

با تأمل در پیشینه پژوهش و مطالعات انجام‌شده، می‌توان به ضرورت اهمیت نهاد خانواده در همه دولت‌ها، از جمله دولت ایران، پی برد. در این پژوهش، برخلاف سایر پژوهش‌های انجام‌شده، نهاد خانواده در چارچوب تحلیل نظام‌مند و سیاستگذاری عمومی دولت در این باره بررسی شده است.

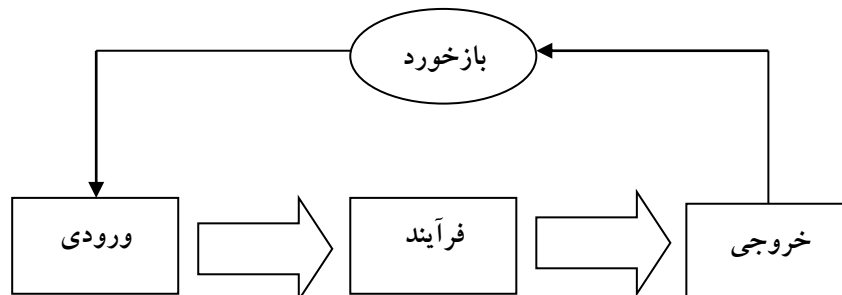
۳. چارچوب نظری

در دهه‌های اخیر، مطالعات مربوط به حوزه سیاستگذاری، به دلیل بهره‌مندی از تأمل‌های نظری و کاربردهای عملی، اهمیت چشمگیری یافته است. سیاستگذاری عمومی اصطلاحی چندوجهی و عام است که در قالب برنامه عمل دولت در بخشی از جامعه یا فضای جغرافیایی ظاهر می‌شود. این مفهوم با مفاهیم دیگری همچون حکومت، دولت، جامعه و مسائل عمومی آن ارتباط تنگاتنگی دارد و به نوعی، علم اداره دولت در موضوع‌های عمومی جامعه تلقی می‌شود. دای (به نقل از پارسونز، ۱۳۹۴: ۳) سیاستگذاری عمومی را «کار دولت، چرایی انجام آن و تأثیر انجام آن»

تعریف می‌کند. سیاستگذاری عمومی به معنای سیاست در اجراست و دانشی هدفگرا محسوب می‌شود. در این دانش دولت در مرکز قرار دارد؛ موضوع‌های عمومی جامعه بررسی می‌شود؛ و درعین حال میزان تأثیر فعالیت یا عدم فعالیت دولت در زمینه‌های خاص سنجش می‌شود.

اندیشمندان به بحث سیستم (نظام)، به دلیل گستردگی مفهوم و کاربردهای گوناگون آن در علوم مختلف، توجه بسیاری داشته‌اند. آن‌ها، با توجه به حوزه تخصصی خود، دیدگاه‌هایی در این باره بیان کرده‌اند. برتالانی برای نخستین بار اصطلاح «نظریه عمومی سیستم‌ها» را مطرح کرد. از دیدگاه وی «موضوع نظریه عمومی سیستم‌ها، تعیین اصولی است که آن اصول برای تمام سیستم‌ها به طور اعم صادق است». نظریه عمومی سیستم‌ها با تحولات موجود در جهان بینی قرن بیستم آمیخته و هماهنگ بوده است (ابراهیم زاده، ۱۳۸۹: ۱۱۳۰-۱۱۳۱).

نظام مجموعه‌ای از عناصر و اجزای مختلفی است که در رابطه‌ای منظم قرار دارند و برای رسیدن به یک هدف مشترک به تعامل با یکدیگر می‌پردازند. این عناصر با محیط پیرامون خود یک کل واحد را تشکیل می‌دهند؛ به عبارتی هر نظام یک کل است و نمی‌توان آن را به اجزای مستقل و جدای از هم تقسیم کرد، زیرا میان آن‌ها نوعی وابستگی متقابل وجود دارد و جداکردن اجزای آن‌ها از یکدیگر باعث از دست رفتن خاصیت آن می‌شود. آنچه در تمامی نظام‌ها به چشم می‌خورد وجود عناصری با خصوصیات مشترک است که از آن‌ها با عنوان «مشخصات عمومی نظام‌ها» نام برده می‌شود. عناصر اصلی و سازنده نظام‌ها عبارت است از ورودی، فرایند، خروجی و بازخورد. ورودی داده‌هایی است که نظام به شکل‌های گوناگون از محیط پیرامون خود دریافت می‌کند. تغییرات یا فعل‌وانفعالاتی که نظام بر روی داده‌ها انجام می‌دهد تا نتایج به شکلی مطلوب و مورد نظر از نظام به محیط باز گردد، «فرایند» نام دارد. نتایج حاصل از فعل‌وانفعالات و تبدیل و تبدلات داخل نظام که به شکل‌های گوناگون از نظام به محیط تزریق می‌شود، «خروجی» نامیده می‌شود. حفظ تعادل نظام و کنترل آن برای رسیدن به اهداف مطلوب و ایجاد هماهنگی بین اجزای آن نیز برعهده سازوکار بازخورد است (شکل ۱؛ بروشکی، ۱۳۸۴: ۱۱-۱۲). در این پژوهش، دولت به منزله نظامی مطرح است که همچون سایر نظام‌ها این عناصر را داراست.



شکل ۱. چرخه و عناصر اصلی نظام

دولت، به‌مثابه نظام، با محیط پیرامون خود - یعنی شهروندان، احزاب، رسانه‌ها و نظایر آن- ارتباط دارد، اما این موارد در خارج از نظام قرار می‌گیرند. نظام دولت متشکل است از قوه‌مقننه، قوه‌مجریه و قوه‌قضاییه که طراحی سیاست و امور اجرایی را برعهده دارند و غایت همه آن‌ها راضی‌نگه‌داشتن محیط پیرامون و دسترسی به اهداف از پیش تعیین‌شده آن‌هاست.

جدول ۱. عناصر اصلی نظام سیاستگذاری دولت در حوزه خانواده

ورودی نظام	طراحی سیاست	اجرای سیاست	نتیجه سیاست	ارزیابی سیاست
احزاب	قانون اساسی	منابع	آمار و ارقام	رویکرد آرمانگرا و سنتی
حوزه خانواده	سیاست‌های کلی خانواده	نیروی انسانی	ازدواج/ طلاق	
شهروندان	رهبری	نهادهای	فرزندآوری	
مراجع-روحانیان	شورای عالی انقلاب فرهنگی	بودجه	تجرد و تجرد قطعی	
	برنامه‌های توسعه			

۱.۳. مؤلفه‌های ورودی: مطالبات دوگانه برای نهاد خانواده

با پیروزی انقلاب اسلامی، گروه‌های مختلفی در رابطه با نهاد خانواده به دولت فشار وارد می‌کردند و خواهان اجرای مطالباتشان در این زمینه بودند. هریک از این گروه‌ها در رابطه با نهاد فوق دیدگاه خاص خود را داشت.

الف) اقشار سنتی (روحانیان و فقهای شیعه)

فشارهای وارده از سوی بسیاری از فقهای شیعه بعد از انقلاب در حوزه نهاد خانواده در راستای ترویج زندگی خانوادگی به سبک اسلامی و سنتی بوده است (مصباح، ۱۳۹۲: ۷). فقه شیعه با تأکید بر لزوم ریاست و مدیریت مرد در خانواده، موافق فرزندآوری و افزایش جمعیت است. فقها دیدگاه اسلام را درباره افزایش نسل مسلمانان با بهره‌گیری از آیات، روایات و دیگر ادله فقهی بیان می‌کنند و اجرای هرگونه برنامه‌ای را به‌منظور کاهش نسل مسلمانان، مغایر با دیدگاه‌های کلی اسلام می‌دانند. تداوم نسل یکی از اهداف دین اسلام است و تشکیل خانواده نیز در جهت دستیابی به این هدف مقرر شده است (علایی‌نوبین و آل‌رسول، ۱۳۹۳: ۱۳۷). از دیدگاه استاد مطهری، هدف از ازدواج و تشکیل خانواده لذت‌بردن زن و مرد از مصاحبت با یکدیگر و پرورش نسل آینده است، به‌گونه‌ای که سعادت نسل‌های آینده با وضع اجتماعی خانوادگی پیوند مستقیمی دارد (پیکار و محمدی، ۱۳۹۶: ۱۰۷). علامه طباطبایی نیز در سلسله‌مراتب موجود در خانواده، قائل به مدیریت مرد است و این امر را با اشاره به شرایط طبیعی زن و مرد تبیین می‌کند. البته، قیمومیت مرد بر زن به‌معنای سلب آزادی از اراده زن و عدم استقلال وی در حفظ حقوق فردی و اجتماعی او نیست و زن می‌تواند حقوق فردی و اجتماعی خود را حفظ و از آن دفاع کند (رضایی و شعبانی، ۱۳۹۳: ۱۲۹ - ۱۳۰).

ب) فشارهای احزاب و جریان‌ها

در جریان اصولگرا، با مراجعه به متون اسلامی، بر جایگاه و ارزش خانواده و وظایف زنان در این کانون تأکید شده و در رابطه با وظایف زوجین در خانواده، اعتقاد به ریاست مرد بر خانه است. از سوی دیگر، وظایفی همچون خانه‌داری و تربیت و پرورش فرزندان برعهده زنان است و همواره مقام مادران و نقش آن‌ها در خانواده گرامی داشته می‌شود (عابدی اردکانی و عظیمی، ۱۳۹۱: ۱۰۷).

حزب جامعه زینب از جمله احزاب فعال این جریان در حوزه زنان و خانواده است که با استناد به آیات قرآن جایگاه زنان را از نظر امور اجتماعی و فرهنگی با مردان مساوی می‌داند و آن را از مسائل خانوادگی و روابط زناشویی جدا می‌کند. از دیدگاه این حزب زنان نیز همانند مردان در امور اجتماعی قابلیت حضور فعال و مؤثر دارند، اما از وجود زنان در این زمینه‌ها استفاده نمی‌شود. این حزب به‌دنبال حضور و مشارکت کامل زنان در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی است (همشهری، ۱۳۸۷). در نقطه مقابل، جریان اصلاح‌طلب بر این نظر است که با تفسیر دقیق و

تخصصی مسائل مربوط به خانواده از آیات قرآن و احادیث اسلامی می‌توان به تحول در حوزه خانواده دست‌یافت. در این راستا، بسیاری از محدودیت‌های شکل‌گرفته برای زنان را ناشی از ذات اسلام نمی‌دانند، بلکه این محدودیت‌ها را با فرهنگ و سنن جوامع مرتبط می‌دانند و به قوانین حاکم بر نظام حقوقی زنان، به‌خصوص درباره مشارکت سیاسی آن‌ها، معترض هستند (عابدی اردکانی و عظیمی، ۱۳۹۱: ۱۰۵-۱۰۶). از جمله احزاب سیاسی جریان فوق در حوزه زنان، حزب جمعیت زنان جمهوری اسلامی است. این جمعیت در سال ۱۳۶۵ش، به‌طور رسمی تأسیس شد. در این جمعیت زنانی حضور یافتند که در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی قبل و بعد از انقلاب شرکت داشتند. مشکلات صنفی، مسائل اجتماعی زنان و تأمین حقوق آن‌ها در جامعه، مهم‌ترین دغدغه این جمعیت است (بصیرت، ۱۳۹۳). مرامنامه‌ها و اساسنامه‌های موجود درباره احزاب سیاسی ایران گویای آن است که اغلب این احزاب به‌صراحت دیدگاه‌های خود را در رابطه با نهاد خانواده ابراز نداشته‌اند، اما در مرامنامه‌های برخی احزاب از زنان بحث شده است. با توجه به یافته‌های موجود، اشاره‌گذاری به محتوای آن‌ها شد.

پ) جنبش زنان در ایران

گروه‌های مختلف زنان در ۱۷ اسفند ۱۳۵۷ش علیه حجاب اجباری به تظاهرات برخاستند و به‌دنبال حفظ حقوق موجود خود بودند. فعالیت‌های این جنبش که با هدف بهبود وضعیت زنان آغاز شد بازتاب‌هایی در پی داشت، از قبیل کمرنگ‌شدن تقسیم جنسیتی کار در خانواده، مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌ها و حضور آشکار آنان در فعالیت‌های اجتماعی (لرستانی، ۱۳۸۲: ۴۰). از اهداف اصلی این جنبش می‌توان به کاهش نابرابری‌های جنسیتی با تغییر قوانین ناعادلانه حقوقی زنان در موضوع‌هایی نظیر موارد زیر اشاره کرد: طلاق، حضانت و ارث، تغییر نگرش مردسالارانه دولت و جامعه به زنان، کاهش ستمگری‌های جنسی علیه زنان و دستیابی به حقوق برابر با مردان در زمینه‌های گوناگون کار، اشتغال، و آموزش. فعالیت‌هایی از قبیل اعتراض علیه برنامه‌های صداوسیما، اعتراض به ممنوعیت ورود زنان به ورزشگاه، اعتراض به رد صلاحیت کاندیداهای زن در انتخابات ریاست‌جمهوری، خواست تغییر قوانین تبعیض‌آمیز قانون اساسی در سال ۱۳۸۴ش، جنبش ائتلافی زنان علیه لایحه حمایت از خانواده، و کمپین یک میلیون امضا در دهه ۸۰ش نمونه‌هایی از فعالیت‌های جنبش زنان معاصر ایران به‌شمار می‌رود (سبزه‌ای، ۱۳۹۵: ۷۵).

۲.۳. مؤلفه‌های طراحی: هسته سخت قدرت و حفظ خانواده پدرسالار
این مؤلفه‌ها در موارد زیر مطرح شده است.

الف) قانون اساسی

در مقدمه قانون اساسی در رابطه با نقش و جایگاه خانواده آمده است: «خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشدیابنده انسان است اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است.» در اصل ۱۰، بر نهاد خانواده و لزوم تشکیل و تحکیم آن چنین تأکید شده است: «... همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.» در اصل ۲۱، دولت به اموری از قبیل «ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان خانواده، حمایت از مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی سرپرست، ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست و...» موظف شده است. علاوه بر این اصل، به موضوع خانواده در بند ۱ اصل ۴۳ قانون اساسی نیز توجه شده است: «تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.» با استناد به این اصل، می‌توان تشکیل خانواده را از اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی دانست که به موجب آن دستیابی به اهداف کلانی همچون حفظ استقلال، آزادی، گسترش عدالت و حفظ تمامیت ارضی امکان‌پذیر است.

ب) سند چشم‌انداز ۱۴۰۴

حفظ و تقویت نهاد خانواده یکی از آرمان‌های قانون اساسی و تأکید شده در یکی از بندهای سند چشم‌انداز است: «برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، دوری از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب.»

پ) سیاست‌های کلی

سیاست‌های کلی خانواده ۱۶ بند دارد و روح حاکم بر آن سبک زندگی اسلامی-ایرانی است که در آن خانواده علاوه بر ایفای نقش تربیتی خود، بسترهای

مناسبی را برای توسعه انسانی و دستیابی به توسعه پایدار مبتنی بر الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت فراهم می‌کند. سیاست‌های کلی خانواده حرکت نظام را معطوف می‌دارد به: «محور قراردادن خانواده در قوانین و مقررات و سیاست‌های اجرایی، برجسته کردن کارکردهای ارتباط خانواده و مسجد، ایجاد نهضت فراگیر ملی برای ترویج و تسهیل ازدواج موفق و آسان، بکارگیری یکپارچه ظرفیت‌های آموزشی، تربیتی و رسانه‌ای کشور در جهت تحکیم بنیان خانواده، ترسیم الگوی اسلامی خانواده و تقویت و ترویج سبک زندگی اسلامی-ایرانی، بازنگری، اصلاح و تکمیل نظام حقوقی و رویه‌های قضایی در حوزه خانواده متناسب با نیازها و مقتضیات جدید با هدف تثبیت و تحکیم خانواده، ارتقاء معیشت و اقتصاد خانواده‌ها، ساماندهی نظام مشاوره‌ای و آموزش قبل، حین و پس از تشکیل خانواده، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و عوامل تزلزل نهاد خانواده، حمایت حقوقی، اقتصادی و فرهنگی از خانواده‌های با سرپرستی زنان و تشویق و تسهیل ازدواج آنان، ایجاد سازوکارهای لازم برای ارتقاء سلامت همه‌جانبه خانواده‌ها به‌ویژه سلامت باروری و افزایش فرزندآوری» (پایگاه اطلاع‌رسانی سیدعلی خامنه‌ای، ۱۳۹۵).

پیش از ابلاغ سیاست‌های کلی خانواده، رهبر انقلاب در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۳ ش، سیاست‌های کلی جمعیت را ابلاغ کردند. افزایش فرزندآوری و جمعیت از اهداف اصلی نظام جمهوری اسلامی به‌شمار می‌رود. گزینه‌ای از سیاست‌های کلی جمعیت عبارت است از: «رفع موانع ازدواج و افزایش فرزند، کاهش سن ازدواج و حمایت از زوج‌های جوان و توانمندسازی آنان در تأمین هزینه‌های زندگی، اختصاص تسهیلات مناسب برای مادران به‌ویژه در دوره بارداری و شیردهی و پوشش بیمه‌ای هزینه‌های زایمان و درمان ناباروری مردان و زنان، ترویج و نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی-ایرانی و مقابله با ابعاد نامطلوب سبک زندگی غربی» (پایگاه اطلاع‌رسانی سیدعلی خامنه‌ای، ۱۳۹۳).

ت) مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی

مصوبه «آیین‌نامه تشکیل ستاد ملی زن و خانواده» به شرح ذیل برای اجرا ابلاغ شده است: «ستاد ملی زن و خانواده با هدف تقویت و تحکیم نهاد خانواده و پاسداری از قداست آن و استوارساختن روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی و حفظ و ارتقاء جایگاه زنان در تراز جمهوری اسلامی تشکیل می‌شود. وظایف ستاد به اختصار عبارتند از: تنظیم سیاست‌های اجرایی به منظور تحقق اوامر مقام معظم رهبری، سیاست‌های کلان نظام مصوب شورای عالی انقلاب

فرهنگی و مصوبات مجلس شورای اسلامی در موضوع زنان و خانواده، تعیین شاخص‌های سنجش وضعیت زنان و خانواده متناسب با ارزش‌های اسلامی، نظارت و ارزیابی مستمر بر میزان تحقق اهداف، سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی در دستگاه‌ها و ارائه گزارش دوره‌ای به شورای عالی و سایر مراجع ذیصلاح در حوزه زنان و خانواده» (صادقی‌مقدم و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۵۶-۵۵۸). علاوه بر این مصوبه، در سال ۱۳۹۰ش، طرحی با هدف «جلوگیری از کاهش نرخ باروری کل و ارتقای آن متناسب با آموزه‌های اسلامی، اقتضائات راهبردی کشور، مطالعات جمعیت‌شناختی، آمایش و پایش مستمر جمعیتی» به تصویب رسانده است. در این مصوبه برای تشویق خانواده‌ها به افزایش فرزندآوری مزایایی از قبیل «پوشش بیمه اجباری درمان رایگان مادر و کودک، اختصاص سبد تغذیه رایگان ماهانه به صورت بن کالا، اختصاص بسته بهداشتی-درمانی رایگان، پرداخت هدیه تولد فرزند به مادر به صورت سکه بهار آزادی، افزایش سنوات تحصیلی دانشجویان مادر، اعطای مشوق‌های مالیاتی به خانواده متناسب با تغییرات در بعد خانوار» در نظر گرفته شده است (خبرگزاری صداوسیما، ۱۳۹۵). سایر مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در حوزه زن و خانواده به اختصار شامل موارد زیر است: «تشکیل واحد ارشاد و امداد در کنار دادگاه‌های مدنی خاص با هدف تقویت و بقای نهاد خانواده، تدریس درس 'دانش خانواده' در دانشگاه‌ها به صورت آزاد، اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن، راهبردهای گسترش فرهنگ عفاف، سیاست‌ها و راهبردهای ارتقای سلامت زنان» (عرشی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۵-۱۲۸).

ث) برنامه اول توسعه

در این برنامه، به دلیل مشکلات اقتصادی ناشی از جنگ، تمام توجه‌ها بر محور مسائل اقتصادی بود و توجه به زنان و خانواده در حاشیه قرار گرفت و تنها در سیاست‌های کلان برنامه، بخش‌هایی به امور زنان اختصاص یافت (قدیمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۸). برخی سرفصل‌های کلی این برنامه در رابطه با موضوع زنان عبارت است از: «اعتلای موقعیت زنان از طریق تعمیم آموزش و افزایش زمینه‌های مشارکت زنان در امور اقتصادی، اجتماعی جامعه و خانواده، ارتقاء سطح سلامت افراد جامعه و کاهش مرگ و میر مادران و کودکان، لغو کلیه مقررات مشوق رشد جمعیت و اتخاذ تدابیر متناسب با سیاست تحدید موالید کشور» (زعفرانچی، ۱۳۸۵: ۱۰۹).

ج) برنامه دوم توسعه

در برنامه دوم توسعه (۱۳۷۸-۱۳۷۴) به موضوع زنان و خانواده به شرح ذیل پرداخته شده است: «اختصاص امکانات به مسائل تربیت‌بدنی و پرکردن اوقات فراغت بانوان، مشارکت بیش‌تر زنان و بانوان در امور اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی، اختصاص امکانات ورزشی برای دانش‌آموزان دختر، کنترل و کاهش جمعیت از طریق افزایش سطح آگاهی‌های عمومی افراد جامعه، لغو کلیه قوانین و مقررات و امتیازهای اقتصادی اجتماعی مشوق خانوارهای پرجمعیت» (قانون برنامه دوم توسعه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۳).

چ) برنامه سوم توسعه

در سیاست‌های کلی این برنامه، توجه به زن و خانواده در مقایسه با سیاست‌های کلی دو برنامه پیشین افزایش می‌یابد: «توجه به جوانان و تلاش در جهت رفع دغدغه‌های آنان از قبیل ازدواج و تشکیل خانواده، تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن، شناسایی نیازهای آموزشی، فرهنگی و ورزشی زنان و ارائه طرح‌های مناسب در این زمینه، ارائه طرح‌های لازم برای افزایش فرصت‌های اشتغال زنان، پیگیری طرح‌های لازم برای تسهیل امور حقوقی و قضایی زنان، ارائه طرح‌های لازم برای بهره‌گیری زنان از خدمات مختلف در زمینه‌های مالی، حقوقی، مشاوره‌ای، آموزشی و ورزشی» (قانون برنامه سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹).

ح) برنامه چهارم توسعه

در سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه آمده است: «تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن، رفع دغدغه‌های شغلی، ازدواج، مسکن و آسیب‌های جوانان، اجرای برنامه جامع توسعه مشارکت زنان مشتمل بر بازنگری قوانین و مقررات، ارائه لوایح مربوط به تحکیم خانواده، انجام اقدام‌های لازم به منظور رفع خشونت علیه زنان، تقدیم لایحه حمایت از ایجاد و گسترش تشکل‌های زنان به مجلس شورای اسلامی» (قانون برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳).

خ) برنامه پنجم توسعه

در قسمت امور اجتماعی سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه، در رابطه با نهاد خانواده چنین آمده است: «تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن، رفع

دغدغه‌های شغلی، ازدواج، مسکن و آسیب‌های جوانان، مجازبودن دولت برای تحت پوشش مقررات عام تأمین اجتماعی قرار دادن خانواده‌های فاقدبیمه، اخذ مجوز تأسیس مراکز مشاوره‌ای ازدواج جوانان و تحکیم بنیان خانواده، اقدام قانونی دولت با همکاری سازمان‌ها و دستگاه‌های ذی‌ربط در رابطه با مسائل مربوط به نهاد خانواده» (مجموعه برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۹).

د) برنامه ششم توسعه

در سیاست‌های کلی برنامه، تنها یک بند به‌طور اخص به موضوع جایگاه زن و خانواده اختصاص یافته است: «بند ۴۶- تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه عرصه‌ها و توجه ویژه به نقش سازنده آنان» (پایگاه اطلاع‌رسانی سیدعلی خامنه‌ای، ۱۳۹۴).

ماده‌های اختصاص یافته به این موضوع در برنامه ششم توسعه به شرح ذیل است: «تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن، اجباری بودن پوشش بیمه سلامت و برخورداری از یارانه دولتی برای حق بیمه سرپرست خانوار و کلیه افراد تحت تکفل با توجه به وسع، اولویت و اهمیت برنامه پزشک خانواده و نظام ارجاع در ارائه خدمات الکترونیکی سلامت و اجرای نظام خدمات جامع و همگانی سلامت، تعیین کنترل افزایش طلاق، تقویت جامعه‌ای خانواده‌محور و تعالی خانواده و کارکردهای اصلی آن با رعایت شاخص‌های الگو و سبک زندگی اسلامی-ایرانی، دادن سه روز مرخصی تشویقی به مردانی که صاحب فرزند می‌شوند، زنان خانه‌دار حداقل دارای سه فرزند، تحت پوشش بیمه اجتماعی قرار می‌گیرند، برای دانشجویان متأهل به‌خصوص زوج‌های دارای فرزند خوابگاه مناسب تأمین می‌شود، وظیفه سازمان بهزیستی برای کنترل و کاهش نرخ طلاق به میزان ۲۰ درصد از طریق خدمات مداخله‌ای و پیشگیرانه و وظیفه سازمان صداوسیما برای برنامه‌سازی در راستای سبک زندگی اسلامی-ایرانی» (قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه، ۱۳۹۵: ۹۷-۱۰۰).

آنچه از بررسی برنامه‌های پنج‌ساله دوم تا ششم توسعه استنباط می‌شود این است که رویکرد اعتدال‌گرا نسبت به نقش و جایگاه زن بر تدوین‌کنندگان و تصویب‌کنندگان این سیاست‌ها حاکم است. در برنامه‌های دوم تا ششم توسعه، هم بر تقویت خانواده با محوریت زن تأکید شده و هم لزوم تقویت جایگاه زن در عرصه‌های اجتماعی تصریح شده است (سمواتی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۳). براساس

مطالعات و بررسی‌های انجام‌گرفته می‌توان گفت که در سیاست‌ها و قوانین مطرح در اسناد فرادستی نظام جمهوری اسلامی ایران، برخلاف دیگر سیاست‌های جهانی، به حقوق زنان و حمایت از آنان در کنار لزوم حمایت از خانواده پرداخته شده است؛ به بیان دیگر، این دو مفهوم در متون نظام جمهوری اسلامی ایران جدایی‌ناپذیر و لازم و ملزوم یکدیگرند.

۳.۳. مؤلفه‌های اجرایی: نهادها و برنامه‌های اجرایی ناقص

در جمهوری اسلامی از برخی نهادها به‌عنوان نهادهای متولی خانواده نام برده شده است. این نهادها وظیفه دارند سیاست‌ها و قوانین وضع‌شده در حوزه خانواده را پیاده‌سازی و اجرا کنند. در ادامه، به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

الف) وزارت ورزش و جوانان

وزارت ورزش و جوانان در تاریخ ۸ دی ۱۳۸۹ ش و پس از ادغام سازمان تربیت‌بدنی و سازمان ملی جوانان در مجلس هشتم تشکیل شد. در سال‌های اخیر، در این وزارتخانه، به‌منظور توسعه و توجه بیشتر به حوزه جوانان، اقدام‌های ذیل به عمل آمده است: «تدوین طرح ملی سامانه ازدواج و خانواده و پورتال الکترونیکی خانواده با نشاط؛ تدوین سند ملی مشاوره پیش از ازدواج و تدوین آیین‌نامه مراکز مشاوره ازدواج خانواده؛ راه‌اندازی خانه جوان در ۴ استان کشور و تدوین طرح ساخت ۳۱ خانواده جوان در استان‌های کشور» (مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۹۶: ۲-۳). در سال‌های اخیر، کاهش آمار ازدواج در میان جوانان ایرانی بسیار تأمل‌برانگیز شده است. در این میان، عوامل اقتصادی و وضعیت اشتغال بیش از سایر عوامل بر آن تأثیرگذار بوده است. بدین‌منظور، وزارت ورزش و جوانان فعالیت‌های بسیاری را برای تحقق ازدواج آسان جوانان انجام داده است؛ از جمله: «برگزاری جشنواره به منظور ارائه ملزومات با تخفیف به زوج‌های جوان، نشست با خیرین ازدواج، آغاز جشنواره فیلم ازدواج: در سال ۱۳۹۸» (برنا، ۱۳۹۸).

ب) وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

این وزارتخانه پیش از این با‌عنوان وزارت فرهنگ و آموزش عالی شناخته می‌شد. انسجام‌بخشیدن به امور اجرایی، سیاستگذاری نظام علمی، تحقیقاتی و فناوری کشور از وظایف اصلی این وزارتخانه به‌شمار می‌رود. از اقدام‌های عملی وزارت

علوم در حوزه خانواده می توان به موارد زیر اشاره کرد: الزامی نمودن تدریس درس دانش خانواده و جمعیت در دانشگاه های سراسر کشور (خبرگزاری دانشجویان ایران، ۱۳۹۱)، فراهم نمودن زمینه افزایش حضور زنان در محیط های علمی کشور (میزان، ۱۳۹۹) و حمایت از ازدواج دانشجویی (نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، ۱۴۰۱).

پ) وزارت امور اقتصادی و دارایی

از سال ۱۳۸۸ش، شبکه گسترده بانکی کشور به پرداخت وام ازدواج ورود پیدا کرد. وام ازدواج به صورت قرض الحسنه و با کارمزد حدود ۴ درصد به زوجین تعلق گرفت. مبلغ وام ازدواج تا پایان سال ۱۳۹۴ش و حتی سه ماه نخست سال ۱۳۹۵ش تغییری نداشت و همان ۳ میلیون تومان باقی ماند؛ تا اینکه در بودجه سال ۱۳۹۵ش، به ۱۰ میلیون تومان افزایش یافت (خبرگزاری دانشجویان ایران، ۱۳۹۶). در بودجه سال ۱۳۹۷ش، به ۱۵ میلیون تومان رسید و در سال ۱۳۹۸ش، به ۳۰ میلیون تومان و در سال ۱۳۹۹ش، به ۵۰ میلیون تومان افزایش یافت.

ت) سازمان صداوسیما

سازمان صداوسیما، در شش ماه نخست سال ۱۳۹۴ش، نزدیک به ۶۵۰۰ ساعت برنامه در ارتباط با حوزه خانواده تهیه و پخش کرده است. تهیه کنندگان برنامه های برون مرزی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران با پخش برنامه هایی همچون «صبحگاهی»، «خانواده اصیل»، «خانواده مسلمان» و «خانواده» به دنبال آن هستند که مخاطبان خارج از مرزها را نیز با مفاهیمی همچون ازدواج با فرهنگ اسلامی و خانواده اسلامی آشنا تر سازند (خبرگزاری میزان، ۱۳۹۴). از اقدام های عملی صداوسیما در راستای حمایت از نهاد خانواده می توان به موارد زیر اشاره کرد: «تهیه سریال های متناسب با فرهنگ ایرانی، تشویق خانواده ها به ازدواج آسان و به دور از هرگونه تجملات غیر ضروری، تهیه تیزرهایی در رابطه با گسست خانوادگی، تولید برنامه های مستند درباره روابط زناشویی و تولید نسلی سالم، تولید برنامه هایی که در آن ترویج ارزش های اخلاقی و خانوادگی مدنظر است» (بشیر و اسکندری، ۱۳۹۰: ۲۱-۲۲).

ث) سازمان بهزیستی

از اقدام‌های عملی این سازمان در حوزه خانواده، علاوه بر حمایت از کودکان بی‌سرپرست، می‌توان به تلاش این سازمان برای حمایت از زنان سرپرست خانواده در جهت افزایش توانمندی آنان اشاره کرد. مدیرکل دفتر توانمندسازی خانواده و زنان سازمان بهزیستی، یکی از ابزارهای توانمندسازی زنان سرپرست خانواده را عضویت آنان در «گروه‌های همیار» عنوان می‌کند. به هر گروه به‌منظور اشتغال‌زایی ۳۰ میلیون تومان بلاعوض پرداخت می‌شود. تاکنون، ۱۴۰۰ گروه همیار در سراسر کشور شکل گرفته است (سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۹۸). «برنامه تأمین مالی خرد با رویکرد بانکداری پیوندی» از دیگر برنامه‌هایی است که برای توانمندسازی این افراد در نظر گرفته شده است. در این برنامه، هم برای زنان سرپرست خانواده و هم برای جوانان آسیب‌پذیر و نیازمند مناطق حاشیه‌ای و روستاها وام در نظر گرفته شده است.

علاوه بر موارد فوق، به‌منظور کمک به پرداخت اجاره‌بهای مسکن خانواده‌های نیازمند تا سقف ۶ میلیون تومان تسهیلات در نظر گرفته شده است. همچنین، در رابطه با شهریه دانشگاه این زنان و فرزندانشان کمک‌هزینه‌ای در نظر گرفته شده است. به‌منظور بهبود وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان خانواده‌های تحت پوشش، به ۷۷ هزار نفر کمک‌هزینه تحصیلی داده می‌شود. از سوی دیگر، تسهیلات معافیت سربازی برای یکی از فرزندان پسر زنان سرپرست خانواده و فاقد همسر نیز در نظر گرفته شده است (معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، ۱۳۹۹).

در میان نهادهای مجری در حوزه خانواده موازی‌کاری وجود دارد و اقدام‌های آنان در این حوزه مبتنی بر برنامه نیست و پراکنده است. به‌رغم تعدد نهادهای طراح و سیاست‌ها و قوانین وضع‌شده توسط آنان، در عمل اجرائیات چندانی در این حوزه به چشم نمی‌خورد؛ گویا اکثر طراحی‌های صورت‌گرفته صرفاً در حد ایده و فکر باقی مانده و به مرحله اجرایی نرسیده است.

۴.۳. خروجی: سیاستگذاری فراتر از کارکرد دولت

با بررسی برخی شاخص‌های مربوط به نهاد خانواده، در ادامه وضعیت این نهاد را بررسی می‌کنیم.

جدول ۲. فضای حاکم بر چهار دوره بعد از انقلاب اسلامی ایران

جنگ	آیت الله اکبر هاشمی رفسنجانی	سید محمد خاتمی	محمود احمدی نژاد	حسن روحانی
حضور گروه‌های لیبرال و چپ	پایان جنگ و تلاش برای بازسازی مناطق آسیب‌دیده	افزایش قابل توجه شهرنشینی و زندگی‌های دانشجویی	حمایت از اقشار فقیر و مستضعف و سردادن شعار عدالت	شعار حمایت از زنان در آغاز انتخابات و دادن پست به آن‌ها
حضور مؤثر و سازنده زنان در دوران دفاع مقدس	حاکم شدن فضای مدرن بر جامعه و حضور مؤثر زنان در آن	افزایش میزان تحصیلات و افراد شرکت‌کننده در کنکور سراسری	اتخاذ دو رویکرد متفاوت در حوزه زنان	تلاش در جهت رفع نابرابری جنسیتی
افزایش درصد موالید و امید به زندگی	افزایش میزان تحصیلات و تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی	شکل‌گیری جنبش‌های زنان و اعمال منع خشونت علیه آنان	سرکوب زنان مدرن و حمایت از زنان سنّتی	حضور مؤثر زنان در عرصه‌های عمومی
حاکم شدن فضا ی پدرسالارانه	افزایش میزان شهرنشینی	موضع‌گیری اقشار سنّتی در حوزه خانواده	بازگشت به سیاست‌های دهه ۶۰	تلاش در جهت ایجاد موازنه میان زندگی خانوادگی و اجتماعی زنان
ترویج الگوی خان واده اسلامی-سنّتی	ترویج الگوی خانواده مدرن شهری اما مصلحت‌گرا	حاکم بودن فضای دوقطبی در جامعه در رابطه با الگوی خانواده مطلوب (اسلامی-سنّتی و مدرن مدنی)	حاکم بودن فضای دوقطبی در جامعه در رابطه با الگوی خانواده مطلوب (اسلامی-سنّتی و مدرن مدنی)	حاکم شدن فضای مردسالار و مصلحت‌جویانه

الف) ازدواج

درصد ثبت ازدواج در طول چهار دهه گذشته با نوسان‌های شدیدی روبه‌رو بوده است. در دهه نخست بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، بیشترین نوسان‌ها در این شاخص مشاهده می‌شود. در دهه دوم نیز کشور با افزایش چشمگیر درصد ثبت ازدواج مواجه بود: از رقم ۸/۰ در هزار در سال ۱۳۷۳ ش، به رقم ۱۰/۸ در هزار در

سال ۱۳۸۳ ش دست‌یافت. اما، از نیمه دوم دهه سوم به بعد این روند سیر نزولی داشته و از رقم ۱۲/۱ در هزار در سال ۱۳۸۹ ش، به رقم ۸/۷ در هزار نفر جمعیت در سال ۱۳۹۴ رسیده است (معاونت بررسی‌های راهبردی، ۱۳۹۶: ۲۲). از سال ۱۳۶۵ ش، میانگین سن ازدواج زنان و مردان افزایش یافته و شیب افزایش این شاخص بیشتر متوجه مردان بوده است. در سال ۱۳۹۴ ش، میانگین سن ازدواج در مردان ۲۵ تا ۲۸ سال و در زنان ۲۳ تا ۲۸ سال گزارش شده است. از ازدواج‌های ثبت‌شده مردان و زنان به ترتیب ۴/۸ درصد و ۳/۱ درصد به ازدواج‌های دوبار یا بیشتر اختصاص دارد. سهم کمتر زنان در این شاخص نشان می‌دهد آنان به ازدواج مجدد پس از فوت همسر یا طلاق تمایل ندارند (معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، ۱۳۹۹: ۴۲). میزان ازدواج در کشور از سال ۱۳۸۹ تاکنون با کاهش ۴۰ درصدی مواجه بوده است، به نحوی که هر ساله به طور متوسط ۶ درصد از میزان ازدواج‌های رسمی و ثبت شده در کشور کاسته شده است (آنتولی، ۱۳۹۹).

ب) طلاق

در سال‌های اخیر، درصد ثبت طلاق در کشور سیر صعودی داشته است. تورم، شهرنشینی، درآمدسرانه و هزینه‌های مصرفی خانوارها از عوامل مؤثر بر افزایش میزان طلاق به‌شمار می‌رود (مجدزاده و زینل‌زاده، ۱۳۹۷: ۳۴۰). سیر طلاق در دهه ۶۰ تقریباً باثبات بوده است؛ طی سال‌های ۱۳۶۱-۱۳۶۵ از هر هزار ازدواج، تنها ۹۲ مورد به طلاق منجر شده است (همان: ۳۱۳). از سال ۱۳۷۵، روند صعودی و مشخصی بر میزان طلاق در کشور حاکم بوده است (ملکی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۳). بیش از نیمی از جدایی‌ها در پنج سال نخست زندگی مشترک و حدود ۱۴ تا ۱۵ درصد در سال نخست پس از ازدواج اتفاق می‌افتد که بی‌ثباتی خانواده‌های نوپا را در کشور نشان می‌دهد (معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، ۱۳۹۹: ۴۲). در ایران از ۴ مورد ازدواج ثبت‌شده، ۱ مورد به طلاق ختم می‌شود. این درحالی است که برخی با تأکید بر مسئله طلاق عاطفی، وضعیت حاکم بر روابط زوجین را خطرناک‌تر از ارقام فوق می‌دانند. بیشترین میزان طلاق در سال ۱۳۹۲ ش، مربوط به زوجینی بوده است که زندگی مشترک آن‌ها کمتر از یک سال دوام داشته است (ملکی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۲). رشد فزاینده طلاق در سال‌های اخیر، به افزایش تعداد فرزندان طلاق منجر شده است. رشدونمو فرزندان در خانواده‌ای تک‌والدی باعث می‌شود در بهره‌مندی از توجهات

خانواده و اجتماع با محدودیت مواجه شوند و در کوتاه مدت و بلندمدت آثار نامطلوبی بر آن‌ها به دنبال دارد (درگاهی و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۶). در رابطه با میزان خیانت زوجین، آمار رسمی و دقیقی منتشر نشده است، اما بررسی‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی افزایش خیانت در دهه‌های اخیر در میان زوج‌های ایرانی را نشان می‌دهد. مشاهده‌های میدانی و موارد طلاق رسمی و عاطفی گواهی بر افزایش آمار خیانت در کشور است که بیش از همه در میان افراد ۲۵ تا ۴۰ سال رخ می‌دهد (فرارو، ۱۳۹۶).

پ) تحولات جمعیتی

در نتیجه تحولات سیاسی و اجتماعی رخ داده در ایران طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۶۵ ش، جمعیت کشور به ۳/۹ درصد در سال افزایش یافت؛ بی‌شک عوامل گوناگونی همچون توقف برنامه‌های تنظیم خانواده و اجرای سیاست‌های مربوط به تشویق مولید در این افزایش جمعیتی مؤثر بوده است (مشفق و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۷). در دهه دوم، اجرای برنامه‌های مربوط به تنظیم خانواده در دستور کار دولت قرار گرفت. در این دهه، درصد رشد جمعیت به ۱/۹۶ درصد تنزل یافت و طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۵ ش به ۱/۶۱ درصد رسید (همان: ۱۵۳). از سال ۱۳۹۴ ش تاکنون با کاهش درصد مولید، بحران کاهش جمعیت و کاهش جمعیت جوان در کشور مواجه بوده‌ایم. درصد رشد جمعیت در سال ۱۳۹۸ ش به کمتر از ۱ درصد رسید (پایگاه خبری تحلیلی ۵۵ آنلاین، ۱۳۹۹). براساس اعلام سازمان ثبت احوال کشور، ۱۴ درصد خانواده‌ها بدون فرزند و ۱۹ درصد آن‌ها تنها یک فرزند دارند؛ این پدیده در آینده‌ای نه‌چندان دور صدمات جبران‌ناپذیری بر پیکره جامعه وارد می‌سازد (ایمن، ۱۳۹۹).

ت) تغییر در الگوی همسرگزینی

از پیامدهای مهم تغییر ارزش‌ها و هنجارهای همسرگزینی در ایران می‌توان به افزایش سن ازدواج، تجرد قطعی و گسترش صورت‌های جدید خانواده و گاه نامتعارف اشاره کرد. از سال ۱۳۸۵ ش تاکنون، میزان ازدواج‌های بالای ۳۰ سال در زنان و بالای ۳۵ سال در مردان افزایش یافته است؛ در سال ۱۳۹۳ ش، ۱۳/۸ درصد زنان هنگام ازدواج بیش از ۳۰ سال و ۱۰/۲ درصد مردان بالای ۳۵ سال سن داشته‌اند (معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، ۱۳۹۹: ۱۵). درصد تجرد قطعی مردان و زنان طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۹۰، روند صعودی

داشته است؛ از این میان درصد مجرد قطعی زنان بیشتر از مردان بوده است (معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، ۱۳۹۹: ۱۲). علی‌رغم اعمال کنترل‌های رسمی و غیررسمی، خبرهای گوناگونی از شکل‌گیری و گسترش خانواده‌های نوین به گوش می‌خورد که با توجه به جرم‌بودن برخی از این خانواده‌ها، سنجش کمیت و کیفیت آن به‌طور رسمی و علمی امکان‌پذیر نیست. از جمله صورت‌های جدید خانواده در ایران عبارت است از ازدواج سفید، کودک همسری، خانواده‌های تک‌نفره، خانواده‌های تک‌والد و خانواده‌های زن سرپرست. در ازدواج سفید، زن و مرد فارغ از هرگونه تعهدات قانونی با یکدیگر زندگی می‌کنند و در نهایت بدون هیچ‌گونه مسئولیتی از هم جدا می‌شوند. این نوع روابط به‌دلیل آنکه خارج از قلمرو ازدواج قانونی قرار دارد، نه‌تنها آثار حقوقی بر آن مترتب نیست، بلکه بسته به میزان اعمالی که زن و مرد در این روابط مرتکب شده‌اند، جرایمی همچون زنا و ارتباط نامشروع برای آنان تعریف می‌شود (مسعودیان، ۱۳۹۸: ۶۱). اگرچه بسیاری از افراد روابط جنسی خارج از چارچوب ازدواج را امری مذموم و ناپسند می‌دانند، در فاصله سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۴ ش از میزان ناموجه‌بودن این روابط تا حدودی کاسته شده است (جنادله و رهنما، ۱۳۹۳: ۲۹۱).

طبق ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی، سن ازدواج برای دختران ۱۳ سال تمام و برای پسران ۱۵ سال در نظر گرفته شده است. با وجود این، برای ازدواج کودکان زیر این سن ممنوعیتی وجود ندارد و با اجازه ولی و به‌شرط رعایت مصلحت و با تشخیص دادگاه صالح، امکان‌پذیر است (کوهی، ۱۳۹۸: ۱۳۴-۱۳۵). براساس آمارهای سازمان ثبت احوال، طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ ش تعداد ازدواج دختران زیر ۱۵ سال بین ۳۵ تا ۴۱ هزار مورد در نوسان بوده است. در فاصله این سال‌ها، از هر ۱۰۰ ازدواج ثبت‌شده، در پنج یا شش مورد، زوجه زیر ۱۵ سال سن داشته است (دویچه‌وله فارسی، ۱۳۹۷).

در سال‌های اخیر- به‌دلایلی همچون افزایش درصد طلاق، گسست جامعه، افزایش میزان شهرنشینی، افزایش سن ازدواج و بی‌میلی به آن، تغییر کارکرد خانواده و تعارض‌های نسلی- خانواده‌های تک‌نفره گسترش یافته است. خانواده‌ای که از یک زن یا مرد تشکیل شده است و در خانه‌ای مستقل به‌تنهایی زندگی می‌کنند، خانواده تک‌نفره نام دارد که بیشتر در میان جوانان شایع است. این تنهایی و زیست جداگانه به‌معنای تنهابودن مطلق جوانان نیست، بلکه به‌معنای نه

گفتن آنان به خانواده‌هایشان در خصوص زندگی خانوادگی و ورود به عرصه زندگی مستقل است که در آن از آزادی عمل بیشتری برخوردارند (احمدپور، ۱۳۸۸: ۵۶). براساس آخرین سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵ ش، ۲۴ میلیون و ۱۹۶ هزار و ۳۵ خانوار در کشور زندگی می‌کنند که از این میان سهم خانوارهای تک‌نفره ۲ میلیون و ۴۶ هزار خانوار است (تابناک، ۱۳۹۸).

براساس سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰ ش، ۲۱ میلیون و ۱۱۰ هزار و ۴۸۱ خانوار در کشور زندگی می‌کردند که از این میان ۱ میلیون و ۴۷۱ هزار و ۸۶۸ خانوار تک‌والدی بودند. نتایج حاصل از سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ ش، نشان می‌دهد که بیش از ۱ میلیون و ۷۵۳ هزار و ۹۶۰ خانوار تک‌والد هستند که از این میزان ۱۷ درصد تحت سرپرستی مردان و ۸۳ درصد (برابر با ۱ میلیون و ۴۶۳ هزار و ۵۳۸ خانوار) تحت سرپرستی و مدیریت زنان قرار دارند (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۹۷).

در سال ۱۳۵۵ ش، سرپرستی ۹۲/۷ درصد خانوارها برعهده مردان بود که این رقم در میان زنان تنها ۷/۳ درصد بوده است. این سهم در سال ۱۳۹۰ ش، برای خانوارهای مردسرپرست به ۸۷/۹ درصد و برای خانوارهای زن‌سرپرست به ۱۲/۱ درصد رسید (کردزنگنه و اقبالی، ۱۳۹۷: ۱۹-۲۰). بر اساس آخرین سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵ ش، کشورمان بیش از ۲۴ میلیون خانوار دارد که از این میان ۱۲/۷ درصد (برابر با ۳۰۶۱۷۵۳ خانوار) تحت سرپرستی زنان قرار دارند (شیانی و زارع، ۱۳۹۸: ۶۹). وضعیت سخت اقتصادی، این زنان و فرزندان‌شان را در برابر آسیب‌های اجتماعی بیش از دیگر اقشار جامعه آسیب‌پذیر می‌سازد و بروز بیماری‌های روانی در میان آن‌ها را سبب می‌شود. فرزندان این خانواده‌ها در معرض مسائلی همچون کار کودکان در مشاغل سیاه و غیررسمی، بزهکاری اجتماعی، محرومیت از تحصیل و سوءتغذیه قرار دارند (کردزنگنه و اقبالی، ۱۳۹۷: ۱۶-۱۷).

ث) خشونت خانوادگی

طرح ملی باعنوان «بررسی خشونت خانگی علیه زنان در ۲۸ استان» در کشور انجام شده است. نتایج حاصل از این طرح نشان می‌دهد که سال نخست ازدواج، دوران فشارهای مالی، پس از تولد فرزندان، حداقل یکبار در ماه، میانسالی و دوران بارداری پرخشونت‌ترین برهه‌های زندگی زنان را تشکیل می‌دهد. ۶۶ درصد خانواده‌های مورد مطالعه حداقل یکبار در طول زندگی مشترک خود، خشونت

خانگی با تعریف عام آن را تجربه کرده‌اند؛ ۳۰ درصد نیز حداقل یکبار با خشونت‌های فیزیکی جدی و حاد در طول زندگی مشترک خود مواجه بوده‌اند؛ و ۱۰ درصد نیز خشونت‌هایی را تجربه کرده‌اند که صدمات موقت یا دائمی برایشان به‌همراه داشته است (خبرگزاری دانشجویان ایران، ۱۳۸۳).

میزان خشونت خانگی در ایران، در مقایسه با سال ۱۳۹۷ش، با افزایش ۲۶ درصدی به حدود ۴۶ درصد رسیده است. ۶۰ درصد خشونت‌ها از نوع کلامی و روانی و ۴۰ درصد نیز از نوع جسمی و اقتصادی بوده است. در حال حاضر، خشونت خانگی در درجه نخست، با رشد ۵ برابری متوجه کودکان و سپس با رشد ۳ برابری متوجه زنان جامعه است که در اغلب موارد به ضرب و شتم خفیف تا شدید و در نهایت قتل منجر شده است.

در سال ۱۳۹۵ش، بیشترین آمار قتل در ایران مربوط به قتل‌های ناموسی بوده است. اینک پس از گذشت ۴ سال، نهادهای حاکمیتی جمهوری اسلامی در راستای حمایت از امنیت زنان در خانواده و جامعه تدابیر کافی اتخاذ نکرده‌اند و مردان نیز با تکیه بر قوانین مردسالارانه موجود به خشونت‌های فیزیکی، کلامی و روانی خود علیه زنان و قتل آنان ادامه می‌دهند. امروزه، در رابطه با میزان قتل‌های ناموسی آمار و اطلاعات دقیقی در دست نیست، اما در آمارهای گذشته، وقوع حداکثر ۴۵۰ مورد قتل ناموسی سالانه در کشور گزارش شده است. پیش‌بینی می‌شود این رقم در پایان سال ۱۳۹۹ش به ۲ هزار و ۷۳۶ مورد افزایش یابد (جهان صنعت، ۱۳۹۹). البته، برخی مردان نیز قربانی خشونت در خانواده می‌شوند و به‌دلیل غرور مردانه خود آن را پنهان می‌کنند. محرومیت از دسترسی به منابع مالی، محرومیت از آزادی‌های فردی، خشونت کلامی و تحقیر، فشارهای روحی و روانی ناشی از انتظارات غیرمعقول زن از خشونت‌هایی است که علیه مردان اعمال می‌شود. در آذر ۱۳۹۸ش، رئیس اورژانس سازمان بهزیستی کشور آمارهای مرتبط با همسرآزاری را چنین بیان کرد: «زنان ۹۷/۷ درصد از قربانیان همسرآزاری و مردان ۲/۳ درصد آن را تشکیل می‌دهند» (همشهری آنلاین، ۱۳۹۸).

ج) کودکان بی‌سرپرست

بنابر اظهارات رئیس سازمان بهزیستی کشور، در حدود ۲۶ هزار کودک بی‌سرپرست و بدسرپرست در سطح کشور وجود دارند. از این میان، ۱۶ هزار کودک در خانواده‌های جایگزین و ۱۰ هزار کودک در شیرخوارگاه و مراکز

شبه خانواده زندگی می کنند (تجارت آنلاین، ۱۳۹۸). به نظر می رسد که طی این سال ها کاهش تمایل به فرزندآوری، گرایش به مجرد و تشکیل خانوارهای مستقل پیش از ازدواج در کنار افزایش طلاق باعث شده است بعد خانوار کاهش و تعداد خانوارها افزایش یابد.

۳.۵. ارزیابی: ناهمسویی آرمان ها و واقعیت ها

روند تحول نهاد خانواده در ایران نه تنها با نظرات تدوین کنندگان اسناد فرادستی نظام همسو نیست، بلکه مدت ها است مسیری کاملاً متفاوت از آن قوانین را در پیش گرفته است. سیاست ها و قوانین مربوط به حمایت از نهاد خانواده نشان می دهد که دولت در عمل، در تدوین و اجرای سیاست های مربوط، نقشی فراتر از توان خود عهده دار شده است. به نظر می رسد که اصلاح فرایندهای سیاستگذاری مربوط به حمایت از نهاد خانواده و کاهش نقش آفرینی دولت در اجرای آن ها امری منطقی و معقول است.

سیاست ها و قوانین گوناگونی با هدف حمایت و تقویت نهاد خانواده وضع شده است، اما امروزه، به رغم تمامی این سیاست ها و قوانین، متأسفانه تضعیف این نهاد را شاهدیم. از نشانه های آن می توان به کاهش ازدواج، افزایش سن ازدواج و یا تأخیر در آن، افزایش میزان مجرد و مجرد قطعی، افزایش فزاینده طلاق در میان زوجین به خصوص در ۵ سال نخست زندگی مشترک، کاهش فرزندآوری، کاهش بعد خانوار یا کاهش جمعیت، تغییرات ناموزون هرم سنی جمعیت، گسترش صورت های جدید و گاه نامتعارف خانواده اشاره کرد. درصد بالای مردان و زنان مطلقه، فرزندان طلاق و ازهم پاشیدن بنیان خانواده در کنار دیگر عوامل، حیات جامعه را با مخاطرات جدی روبه رو می سازد؛ از این رو دولت، مجلس و سایر نهادهای درگیر باید با رویکردی جدید و برنامه ریزی شده به موضوع ورود پیدا کنند. شرایط موجود در جامعه - همچون وضعیت نامساعد اقتصادی، افزایش سطح سواد، فردی شدن خانواده و افزایش سطح انتظارات جامعه - سیاستگذاری خانواده در ایران را با شکست مواجه ساخته است؛ به بیان دیگر، در مقایسه با دولت، شرایط و محیط داخلی جامعه برای تأثیرگذاری بر خانواده از قدرت بیشتری برخوردار است. در رابطه با سیاستگذاری نهاد خانواده، به جای وضع قوانین و سیاست های گوناگون، باید بر عوامل ساختاری تمرکز شود.

جدول ۳. مؤلفه‌های نظام سیاستگذاری نهاد خانواده

ورودی سیستم	مطالبات اقشار سنتی (روحانیون و فقهای شیعه)، جریان اصولگرا و اصلاح‌طلب، حزب جامعه زینب، حزب جمعیت زنان جمهوری اسلامی، جنبش زنان ایران
طراحی سیاست	خانواده اسلامی-سنتی مبتنی بر فقه شیعه، حفظ خانواده پدرسالار، رویکرد اعتدالگرا در قوانین و سیاست‌ها، توجه به جایگاه اجتماعی زن به‌عنوان یکی از دو رکن اصلی خانواده در کنار نقش‌های سنتی در محیط خانوادگی
اجرای سیاست	وجود نهادهای اجرایی گوناگون، نبود وزارتخانه مستقل، عدم اجرای اهداف آرمانی فراتر از کارکردهای دولت
خروجی سیاست	کاهش آمار ازدواج، افزایش سن ازدواج، افزایش آمار طلاق رسمی و عاطفی، افزایش خیانت و خشونت خانوادگی، کاهش تمایل به فرزندآوری، تغییر در الگوی همسرگزینی، گرایش به مجرد و مجرد قطعی، گسترش صورت‌های جدید خانواده
ارزیابی سیاست	همسوس نبودن روند تحول نهاد خانواده با آرمان‌های اسناد فرادستی، لزوم توجه به تغییرات ساختاری، در نظر گرفتن تأثیرات روند جهانی شدن در روند سیاستگذاری
راهکار سیاستی	اتخاذ دیدگاهی واقع‌گرایانه و مطابق با شرایط موجود؛ عدم تدوین اسناد گوناگون با وجود ضعف در زمینه اجرا؛ تأمین امکانات، بودجه و نیروی انسانی کافی؛ تلاش دولت در راستای تأمین نیازهای جوانان در زمینه اشتغال، مسکن و ازدواج؛ تأسیس نهادهای پژوهشی خانواده‌محور؛ تأسیس ستاد جلوگیری از مشکلات اجتماعی خانواده؛ نهادینه کردن ارزش‌های دموکراتیکی در محیط خانواده و جامعه

خانواده مورد نظر در جمهوری اسلامی خانواده‌ای اسلامی-سنتی است. اما، امروزه، به دلایل گوناگونی همچون جهانی شدن، نقش‌های مبتنی بر ازدواج سنتی دستخوش تغییر و دگرگونی شده است. نقش مرد در خانواده سنتی تأمین هزینه‌های اقتصادی خانواده و نقش زن نقش‌های خانگی به رسمیت شناخته می‌شود. مرزهای تقسیم کار الگوی سنتی مبتنی بر جنسیت است و امروزه، با افزایش سطح تحصیلات زنان و حضور گسترده آنان در عرصه‌های گوناگون اقتصادی و اجتماعی، به تدریج از انحصار مردان خارج شده است؛ بنابراین، این شکل از خانواده با واقعیت‌های موجود در جامعه سر ناسازگاری دارد. نتایج حاصل

از وضعیت خانواده در ایران گواهی بر این امر است. جمهوری اسلامی خانواده را تنها در چارچوب ازدواج رسمی و شرعی زن و مرد به رسمیت می‌شناسد و با هرگونه رابطه خارج از چارچوب ازدواج مخالف است و با روندی واگرایانه، تضعیف سیاست‌های نهاد خانواده در غرب دنبال می‌شود. امروزه، غرب در سبک زندگی جوانان ایرانی ریشه دوانده و نهاد خانواده را با چالش‌های جدی و نگران‌کننده‌ای روبه‌رو ساخته است که عزم راسخ مسئولان و برنامه‌ریزان ملی را در اتخاذ تصمیم‌های درست و مناسب طلب می‌کند تا نسبت به ایجاد زیرساخت‌های تشکیلاتی و اجرایی لازم اقدام کنند.

۴. توصیه‌های سیاستی

در جمهوری اسلامی، بر نهاد خانواده، به‌عنوان نخستین مرکز رشدونمو افراد جامعه، تأکید ویژه‌ای شده است. در این راستا، فشارهای گروه‌های گوناگونی اعم از اقشار سنتی، احزاب و جریان‌ها باعث شده است نهاد خانواده در ورودی سیستم سیاستگذاری دولت قرار گیرد. اقشار سنتی، از جمله روحانیان و فقهای شیعه، به حفظ خانواده اسلامی سنتی معتقدند؛ بر لزوم ریاست و مدیریت مرد بر خانواده تأکید دارند؛ و رسیدگی به امور داخلی خانه را بر دوش زنان قرار داده‌اند. این گروه، با استناد به ادله‌های گوناگون، با فرزندآوری و افزایش جمعیت موافق‌اند. در این میان، جریان اصولگرا نیز به حفظ خانواده اسلامی سنتی معتقد است و همچون فقها، به ریاست مرد بر خانواده تأکید دارد و وظایف زنان را نیز محدود به خانه می‌داند. آن‌ها احکام مربوط به حقوق زوجین را جزء احکام اولیه و ثابت می‌دانند که امکان تغییر در آن وجود ندارد. از دیدگاه اصلاح‌طلبان، با توجه به مقتضیات زمان، می‌توان در احکام مربوط به حقوق زوجین تغییراتی ایجاد کرد. این احکام جزء احکام ثانویه است. آن‌ها به خانواده مدرن مدنی و تساوی حقوق زن و مرد معتقدند و بسیاری از محدودیت‌های ایجادشده برای زنان را ناشی از ذات اسلام نمی‌دانند و معتقدند که اسلام درباره آزادی و مشارکت سیاسی زنان و مردان تنها به بیان مباحث کلی پرداخته و به‌هیچ‌وجه درباره کیفیت و چگونگی آن بحث نکرده است. جنبش زنان در ایران نیز فشارهای زیادی را به دولت وارد ساخته است. این جنبش از دهه ۷۰ به بعد، به‌منظور دستیابی به اهدافی همچون کاهش نابرابری‌های جنسیتی، با تغییر قوانین ناعادلانه حقوقی زنان، تغییر نگرش مردسالارانه دولت و جامعه به زنان، کاهش ستمگری‌های جنسی علیه زنان و

دستیابی به حقوق برابر با مردان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی به‌طور گسترده به فعالیت خود ادامه داده است.

با استناد به اسناد فرادستی نظام دریافتیم که قانون‌اساسی، مجموعه دولت و جامعه را موظف کرده است تا با ایجاد امکانات و برنامه‌ریزی‌های مناسب، زمینه تحقق آرمان‌ها را فراهم کنند؛ در نتیجه، نهاد خانواده و یکی از دو رکن اصلی سازنده آن، یعنی زن، به جایگاه واقعی خود در جامعه دست یابد. رویکرد اعتدالگرا بر تمامی این سیاست‌ها و قوانین حاکم است و هر جا که سیاست‌ها و قوانینی به‌منظور ترویج نقش و حضور زن در عرصه‌های گوناگون اجتماعی وضع شده است، در همان جا بر لزوم تقویت جایگاه و نقش مؤثر زن در محیط خانوادگی نیز تأکید شده است. فلسفه حاکم بر جمهوری اسلامی ایران، فقه شیعی و خانواده‌مدنظر آن خانواده‌ای اسلامی-سنتی است، اما تلاش در این نظام در سطح دکترین بر آن است که میان خانواده اسلامی-سنتی و خانواده مدرن مدنی تلفیق ایجاد شود. طراحی سیاست‌های مربوط به نهاد خانواده در برنامه‌های شش‌گانه توسعه، با تغییر رئیس دولت، دستخوش دگرگونی می‌شود. یک وجه این سیاست، سنتی است که به تقویت زنان توجه دارد و آیت‌الله خامنه‌ای از آن حمایت می‌کند. وجه دیگر آن مدرن است و از توانمندسازی زنان بحث می‌شود که مورد توجه رئیس‌جمهور، حسن روحانی، بوده است. سیاست‌ها و قوانین وضع‌شده در حوزه خانواده توسط نهادهای طراح، ایجاد وزارتخانه‌ای مستقل را در این باره به ذهن القا می‌کند، اما با بررسی نهادهایی که به‌اصطلاح نهادهای مجری امر خانواده خوانده می‌شوند می‌توان به این حقیقت پی‌برد که اغلب آن‌ها در زمینه اجرا چندان موفق نبوده‌اند و نهاد خانواده در کشور، به‌رغم تأکیدهای فراوان نظام، بدون متولی است و اکثر سیاست‌ها و قوانین وضع‌شده در این باره آرمانی بوده و به مرحله اجرایی نرسیده است.

خروجی‌های نظام سیاستگذاری نهاد خانواده در ایران نشان می‌دهد بنیان این نهاد در کشور تضعیف شده است. کاهش آمار ازدواج و افزایش سن ازدواج در میان جوانان، گرایش جوانان به مجرد و مجرد قطعی، گسترش ازدواج سفید در میان جوانان، افزایش آمار طلاق رسمی، افزایش طلاق عاطفی میان زوجین، افزایش وقوع رفتارهای نابه‌هنجار در میان خانواده‌ها - مانند خیانت و خشونت خانوادگی - کاهش تمایل به فرزندآوری، افزایش شمار خانواده‌های تک‌نفره و تک‌والد، و گسترش پدیده کودک‌همسری گواهی بر این ادعاست. نهاد خانواده در

نظام جمهوری اسلامی گرچه به نظام سیاستگذاری دولت ورود پیدا کرده است، تنها در مرحله طراحی باقی مانده و در زمینه اجرا چندان موفق عمل نکرده است. شاید بتوان دلیل این عدم موفقیت را به طراحی آرمان‌گرایانه نظام مرتبط دانست که با شرایط جامعه کنونی ناسازگار است. توجه به این نکته ضروری است که اساساً موضوع ازدواج و تشکیل خانواده امری خصوصی است و دولت نباید در آن دخالت کند. کار دولت سیاستگذاری برای نهاد خانواده نیست، بلکه انجام دادن امور حاکمیتی- از قبیل برقراری امنیت، قضاوت و دادرسی، سیاست خارجه و اقتصاد- از وظایف دولت به شمار می‌رود. اگر دولت در این حوزه‌ها، به‌خصوص در حوزه اقتصادی، به درستی ایفای نقش کند، افراد به سمت ازدواج و تشکیل خانواده سوق داده می‌شوند و به تشویق دولت و تنظیم اسناد گوناگون در این باره نیازی نیست. کاهش ازدواج و تضعیف نهاد خانواده در ایران بیشتر جنبه اقتصادی دارد؛ به عبارت دیگر، تشکیل خانواده تابع شرایط عمومی جامعه است که دولت نسبت به آن بی‌اعتنا بوده و آن را رها کرده است.

تعارض منافع

این مقاله مشمول هیچ گونه تعارض منافع نیست.

مشارکت نویسندگان

نویسندگان در تألیف این مقاله مشارکت یکسان داشته‌اند.

اصول اخلاقی

نویسندگان در انتشار این مقاله، به‌طور کامل از اخلاق نشر، از جمله سرقت ادبی، سوءرفتار، جعل داده‌ها یا ارسال و انتشار دوگانه پرهیز داشته‌اند؛ منفعت تجاری در این راستا وجود ندارد. این مقاله حاصل تحقیقات خود نویسندگان است و اصالت محتوای آن را اعلام داشته‌اند.

دسترسی به داده‌ها

در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر در خصوص نحوه تجزیه و تحلیل داده‌ها در این مقاله، با نویسنده مسئول مکاتبه فرمایید.

منابع

- ابراهیم‌زاده ا. (۱۳۸۹). «نظریه سیستم‌ها: چارچوبی برای تحلیل». *فصلنامه سیاست خارجی*. ۲۴(۴): ۱۱۲۴-۱۱۲۹.
- احمدپور س. (۱۳۸۸). «خانواده‌های تک‌نفره الگوی زندگی جدید در ایران». *مجله گزارش*. ۱۸(۲۰۶): ۵۶-۵۷.
- ایمنا. (۱۳۹۹). «شیب تند پیری جمعیت در ایران». <https://imna.ir/news/432998> (دریافت: ۷ مرداد ۱۴۰۱).
- آزاد ارمکی ت (۱۳۹۵). *تغییرات، چالش‌ها و آینده خانواده ایرانی*. تهران: تیسرا.
- آناتولی. (۱۳۹۹). «وزارت بهداشت: ازدواج در ایران ۴۰ درصد کم شده است». www.aa.com.tr/fa/1847760 (دریافت: ۷ مرداد ۱۴۰۱).
- باقری ش، زارعان م، برزگر خ. (۱۳۹۸). «سیاستگذاری خانواده؛ الگوهای تعامل دولت و خانواده». *اسلام و علوم اجتماعی*. ۱۱(۲۱): ۱۳۵-۱۵۲. doi: [10.30471/SOCI.2019.1607](https://doi.org/10.30471/SOCI.2019.1607).
- برنا. (۱۳۹۸). «وزارت ورزش و جوانان برای ازدواج جوانان چه کرده است؟/ از راه‌اندازی کمپین مشاوره رایگان و جشنواره فیلم تا هماهنگی با اصناف برای تخفیف به زوج‌های جوان». <https://borna.news/fa/tiny/news-888446> (دریافت: ۷ مرداد ۱۴۰۱).
- بروجردی ل، ویژه م. (۱۳۹۵). «مطالعه تطبیقی قوانین و برنامه‌های توسعه‌ای دولت در حوزه خانواده (مورد مطالعه: کشورهای ایران و مالزی)». *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*. ۸(۳): ۱۹-۳۳.
- بروشکی م. (۱۳۸۴). «کاربرد نظریه‌های سیستمی در تحلیل علل صعود و سقوط تمدن‌ها در تاریخ». *پژوهش‌های تربیتی*. ۲(۳): ۴۹۰-۷۹.
- بشیر ح، اسکندری ع. (۱۳۹۰). «فرهنگ‌سازی و بازنمایی نهاد خانواده در تلویزیون با توجه به سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران». *فصلنامه مطالعات فرهنگ ارتباطات*. ۱۲(۱۴): ۷-۲۵. doi: [20.1001.1.20088760.1390.12.14.1.8](https://doi.org/20.1001.1.20088760.1390.12.14.1.8).
- بصیرت. (۱۳۹۳). «جمعیت زنان جمهوری اسلامی ایران». ۱۷ دی. <https://basirat.ir/fa/news/272045> (دریافت: ۷ مرداد ۱۴۰۱).
- بهنام ج. (۱۳۵۰). *ساختهای خانواده و خویشاوندی در ایران*. تهران: انتشارات خوارزمی.
- پارسونز و. (۱۳۹۴). *مروری بر سیاست‌گذاری عمومی*. ترجمه صالح‌نژاد ح. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- پایگاه اطلاع‌رسانی سیدعلی خامنه‌ای. (۱۳۹۵). «ابلاغ سیاست‌های کلی خانواده». <https://farsi.khamenei.ir/news/34254> (دریافت: ۷ مرداد ۱۴۰۱).
- (۱۳۹۴). «ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه». <https://farsi.khamenei.ir/news/30128> (دریافت: ۷ مرداد ۱۴۰۱).
- (۱۳۹۳). «ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت». <https://farsi.khamenei.ir/news/26440> (دریافت: ۷ مرداد ۱۴۰۱).

پایگاه خبری تحلیلی ۵۵ آنلین. (۱۳۹۹). «سال ۹۸ عجیب‌ترین نرخ «رشد جمعیت» در تاریخ ایران رقم خورد». www.55online.news/fa/tiny/news-150946 (دریافت: ۷ مرداد ۱۴۰۱).

پیکار ز، محمدی ا. (۱۳۹۶). «مطالعه تطبیقی خانواده از دیدگاه شهید مطهری و تالکوت پارسونز». فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی. ۲۳(۴): ۹۹-۱۲۶.
حسینی ح، عزیزی م. (۱۳۹۵). «بررسی قوانین و سیاست‌های حمایت از خانواده در دوران پس از انقلاب اسلامی ایران». مطالعات زنان و خانواده. ۴(۱): ۷-۳۴. doi: 10.22051/JWFS.2016.2338

خبرگزاری جمهوری اسلامی. (۱۳۹۷). «۷/۲ درصد خانواده‌های ایرانی تک‌سرپرست هستند». <https://www.irna.ir/news/82946775> (دریافت: ۷ مرداد ۱۴۰۱).

خبرگزاری دانشجویان ایران/ ایسنا. (۱۳۹۶). «پرونده ۸ ساله وام ازدواج/ پایان باز طرح ضربتی». <https://www.isna.ir/news/96081005796> (دریافت: ۷ مرداد ۱۴۰۱).

----- (۱۳۸۳). «نتایج طرح ملی بررسی خشونت خانگی علیه زنان در ۲۸ استان، اعلام شد: میانسالی پر خشونت‌ترین دوره زندگی زنان ازدواج‌تحمیلی در ۶۴ درصد خانوارهای تجربه‌کننده خشونت». <https://www.isna.ir/news/830707024> (دریافت: ۷ مرداد ۱۴۰۱).
خبرگزاری صداوسیما. (۱۳۹۵). «مشوق‌های افزایش جمعیتی که روی کاغذ ماندگار شد». <https://www.iribnews.ir/0053J2> (دریافت: ۷ مرداد ۱۴۰۱).

تابناک. (۱۳۹۸). «چند میلیون خانوار تک‌نفره داریم؟». <https://www.tabnak.ir/fa/news/960166> (دریافت: ۷ مرداد ۱۴۰۱).

تجارت آنلین. (۱۳۹۸). «کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست، آمار آن در کشور». <https://www.tejaratonline.ir/fa/news/91071> (دریافت: ۷ مرداد ۱۴۰۱).

جنادله ع، رهنما م. (۱۳۹۳). «دگرگونی در الگوی متعارف خانواده ایرانی». فصلنامه خانواده‌پژوهی. ۱۰(۳۹): ۲۷۷-۲۹۶.

جهان صنعت. (۱۳۹۹). «ایران رتبه اول در خشونت خانگی». <https://www.jahanesanat.ir/76564> (دریافت: ۷ مرداد ۱۴۰۱).

درگاهی ح، قاسمی م، بیرانوند ا. (۱۳۹۷). «عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر طلاق در ایران با تأکید بر ادوار تجاری، آموزشی و اشتغال زنان». فصلنامه اقتصاد و الگوسازی. ۹(۴): ۹۵-۱۲۰.

دویچه‌وله فارسی. (۱۳۹۷). «آمار کودک همسری در ایران چقدر است؟». <https://www.dw.com/fa-ir/iran/a-47407042> (دریافت: ۷ مرداد ۱۴۰۱).

رضایی ا، شعبانی م. (۱۳۹۳). «بررسی رویکرد تطبیقی دیدگاه‌های علامه طباطبایی و پارسونز نسبت به مدیریت خانواده». مجله معرفت. ۲۳(۲۰۲): ۱۱۹-۱۳۴.

زعفرانچی ل. (۱۳۸۵). «زنان و خانواده در چهار برنامه توسعه». فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان. ۹(۳۳): ۹۸-۱۲۹.

سازمان بهزیستی کشور. (۱۳۹۸). «تلاش بهزیستی برای حمایت از زنان سرپرست خانواده در

- جهت افزایش توانمندی». www.behzisti.ir/news/11299/ (دریافت: ۷ مرداد ۱۴۰۱).
- سبزه‌ای م. (۱۳۹۵). «تحلیل جامعه‌شناسی حوزه عمومی در ایران پس از انقلاب». *فصلنامه علوم اجتماعی*. ۷۱: ۴۸-۸۹. doi: [20.1001.1.17351162.1394.22.71.2.9](https://doi.org/10.1001.1.17351162.1394.22.71.2.9)
- سمواتی ز، سطوتی ج، زرنگ م. (۱۳۹۵). «تحلیلی بر جایگاه زن و خانواده در برنامه‌های توسعه‌ای در اسناد فرادستی نظام». *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*. ۸(۲): ۴۹-۶۸.
- شیانی م، زارع، ح. (۱۳۹۸). «فرا تحلیل مطالعات زنان سرپرست خانوار در ایران». *دوفصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی*. ۲(۲): ۶۷-۹۷. doi: [10.22059/JSR.2020.75859](https://doi.org/10.22059/JSR.2020.75859)
- صادقی فسایی س، عرفان‌منش ای. (۱۳۹۱). «وضع‌شناسی و تحلیل گفتمان نظریه‌پردازی‌های اجتماعی از الگوی خانواده مطلوب در ایران». *مطالعات راهبردی زنان*. ۱۵(۵۸): ۷-۴۸. doi: [20.1001.1.20082827.1391.15.58.2.5](https://doi.org/20.1001.1.20082827.1391.15.58.2.5)
- صادقی مقدم م، بنایی اسکویی م، قسمتی تبریزی ع. (۱۳۹۶). *مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی*. تهران: انتشارات دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- عابدی اردکانی م، عظیمی پ. (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی دیدگاه‌های جریان اصولگرا و اصلاح‌طلب نسبت به مشارکت سیاسی زنان در جمهوری اسلامی ایران». *فصلنامه پژوهش‌های سیاست‌نظری*. ۱۲: ۱-۱۰. doi: [13941209943371246](https://doi.org/13941209943371246)
- عرشی م، شریفیان‌ثانی م، تکفلی م. (۱۳۹۷). «سیاست‌های فراگیر رفاه خانواده در ایران». *فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی*. ۱۸(۷۰): ۷۰-۱۰۵. doi: [10.29252/refahj.18.70.105](https://doi.org/10.29252/refahj.18.70.105)
- عزیزی م. (۱۳۹۱). *تحلیل سیاست‌های حمایت از نهاد خانواده در ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، تهران.
- عزیزی م، حسینی ح. (۱۳۹۶). «تحلیل ظرفیت‌های سیاستگذاری نهاد خانواده در ایران برای گسترش اشکال مشروع خانواده». *مطالعات اجتماعی ایران*. ۱۱(۳): ۱۰۴-۱۲۵. doi: [20.1001.1.20083653.1396.11.0.5.0](https://doi.org/20.1001.1.20083653.1396.11.0.5.0)
- علایی‌نوبین ف، آل‌رسول س. (۱۳۹۳). «بازپژوهی رویکردهای فقهی در مباحث کنترل جمعیت و تنظیم خانواده». *فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی*. ۱۱(۳۸): ۱۳۵-۱۵۶. doi: [20.1001.1.26455013.1393.11.38.7.6](https://doi.org/20.1001.1.26455013.1393.11.38.7.6)
- عموزاده‌مه‌دی‌رجی ه. (۱۳۹۶). «سیاستگذاری خانواده و تغییرات اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران». *سیاست‌گذاری عمومی*. ۳(۱): ۱۳۳-۱۵۲. doi: [10.22059/PPOLICY.2017.62032](https://doi.org/10.22059/PPOLICY.2017.62032)
- فرارو. (۱۳۹۶). «بررسی ادعاها درباره افزایش خیانت/ابعاد خیانت زناشویی در ایران». <https://fararu.com/fa/news/319526> (دریافت: ۷ مرداد ۱۴۰۱).
- قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. (۱۴۰۰-۱۳۹۶). تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی-اجتماعی و انتشارات.
- قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۸۸-۱۳۸۴). تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی-اجتماعی و انتشارات.

- قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۸۳-۱۳۷۹). تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی-اجتماعی و انتشارات.
- قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۷۸-۱۳۷۴). تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی-اجتماعی و انتشارات.
- قدیمی ا، قربانی شیخ‌نشین ا، حریری ر. (۱۳۹۰). «مقایسه جایگاه زنان در برنامه‌های توسعه و کلان جمهوری اسلامی ایران». *مجله مطالعات زنان*. ۵(۳): ۲۶-۵.
- کردزنگنه ج، اقبالی ع. (۱۳۹۵). «بررسی وضعیت اشتغال زنان سرپرست خانوار در ایران». *فصلنامه جمعیت*. ۲۳(۹۷و۹۸): ۳۴-۱۵.
- کلهر س، ارحامی آ. (۱۳۹۲). «ارزیابی تطبیقی سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران با روندهای جهانی در حوزه خانواده». *مطالعات راهبردی زنان*. ۱۵(۵۹): ۵۹-۱۰۴. doi: [10.29252/refahj.18.71.7](https://doi.org/10.29252/refahj.18.71.7)
- کوهی ک. (۱۳۹۸). «بررسی کودک‌همسری در کشور با تأکید بر استان آذربایجان شرقی». *فصلنامه حقوق کودک*. ۱(۳): ۱۲۷-۱۵۹.
- گیدنز آ. (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی*. ترجمه صبوری کاشانی م. تهران: نشر نی.
- لرستانی ف. (۱۳۸۲). «جنش زنان ایران». *فصلنامه پژوهش زنان*. ۱(۶): ۲۳-۴۲.
- مجدزاده ن، زینل زاده ر. (۱۳۹۷). «رابطه بین شاخص فلاکت و طلاق در ایران». *فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی*. ۱۸(۷۱): ۲۳۷-۲۷۸. doi: [10.29252/refahj.18.71.7](https://doi.org/10.29252/refahj.18.71.7)
- مجموعه برنامه پنج‌ساله توسعه جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۴-۱۳۹۰). تهران: معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور.
- مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری. (۱۳۹۶). «اقدامات و دستاوردهای دولت یازدهم-وزارت ورزش و جوانان».
- مسعودیان م. (۱۳۹۸). «رهیافت پیشگیرانه اجتماعی ناظر بر ازدواج سپید». *نشریه علمی-تخصصی شبک*. ۵(۴). doi: [20.1001.1.20082827.1391.14.55.5.9](https://doi.org/10.29252/refahj.18.71.7)
- مشفق م، محمودی م، مطیع‌حق شناس ن. (۱۳۹۱). «چشم‌انداز تحولات جمعیتی ایران: لزوم تجدیدنظر در سیاست‌های جمعیتی». *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان*. ۱۴(۵۵): ۱۵۱-۱۷۲.
- مصباح م. (۱۳۹۲). «اولویت‌های تحقق سبک زندگی اسلامی». *مجله معرفت*. ۲۲(۱۸۶): ۵-۱۴.
- معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری. (۱۳۹۹). «تسهیلات بهزیستی برای زنان بدون همسر». www.women.gov.ir (دریافت: ۷ مرداد ۱۴۰۱).
- (۱۳۹۶). «اقدامات معاونت امور زنان و خانواده در صد روز اول کاری دولت دوازدهم». www.women.gov.ir/fa/news/7925/ (دریافت: ۷ مرداد ۱۴۰۱).
- معاونت بررسی‌های راهبردی. (۱۳۹۶). «گزارش وضعیت زنان و خانواده در آیین آماری طی سال‌های ۹۵-۱۳۹۰».
- ملکی ا، ربیعی ع، شکرپیگی ع، بالاخانی ق. (۱۳۹۴). «بررسی فردی شدن خانواده در ایران با

تأکید بر روند تغییرات ساختاری و کارکردی خانواده ایرانی از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۹۳». فصلنامه شورای فرهنگی-اجتماعی زنان و خانواده. ۱۸(۶۹): ۴۱-۹۶. doi: [20.1001.1.20082827.1394.18.0.11.9](https://doi.org/10.1001.1.20082827.1394.18.0.11.9)

میزان. (۱۳۹۴). «روابط عمومی رسانه ملی: تلاش برای ترویج فرهنگ صحیح ازدواج و تحکیم خانواده». Mizanonline.com/000VYo (دریافت: ۷ مرداد ۱۴۰۱).

نیاکان پ. (۱۳۹۱). بررسی نقش سیاستگذاری دولت بر ساختار خانواده در ایران (با تأکید بر دوره زمانی پس از انقلاب اسلامی). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.

همشهری آنلاین. (۱۳۹۸). «افزایش شوهرآزاری / ۷ نوع خشونت زنان علیه مردان». <https://www.hamshahrionline.ir/news/483427> (دریافت: ۷ مرداد ۱۴۰۱).

همشهری. (۱۳۸۷). «انتقاد از دولت را می‌گذاریم برای بعد». <https://www.hamshahrionline.ir/xsxn> (دریافت: ۷ مرداد ۱۴۰۱).

یزدانی ع، دوستی س. (۱۳۹۶). «اشکال نوپدید خانواده در ایران و چالش‌های آن». پژوهشنامه مددکاری اجتماعی. ۲(۶): ۷۵-۱۰۱. doi: [10.22054/rjsw.2015.7894](https://doi.org/10.22054/rjsw.2015.7894)